

رویکردی تبیینی به نکاح مسیار در فقه اهل تشیع و اهل تسنن

وحید الرحمن مدقق (افغانستان)^۱، محمد شبانی (ایران)^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

چکیده

ازدواج مسیار نوعی ازدواج است که در سال‌های اخیر در میان اهل سنت در برخی از کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و منطقه آسیای غربی رواج یافته و مورد استقبال عده‌ای از زنان و مردان عرب واقع شده است. از آن‌جا که اهل تسنن ازدواج موقت را مشروع نمی‌دانند، برای پاسخ به نیازهای برخی از مردان و زنان ازدواج مسیار را مطرح نموده‌اند. مسیار، نوعی ازدواج دائم است که در آن شرط می‌شود، زن حق نفقه و همخوابگی نداشته و شوهر مختار است که هر وقت بخواهد نزد زن برود. زن نیز در زندگی خود آزاد بوده و مرد نسبت به وی ریاست و مدیریتی ندارد. در این ازدواج تعادلی میان حقوق و تکالیف زوجین نیست و زنان از بلا تکلیفی بیشتری رنج می‌برند. بر این اساس، در مقاله حاضر که با روش تحقیق کیفی از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تنظیم شده است، شرایط ازدواج مسیار و ادله علمای موافق و مخالف اهل تسنن و اهل تشیع مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نکاح مسیار، فقه اهل تشیع، فقه اهل تسنن

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية،

دانشگاه مجازی المصطفیٰ ﷺ، قم، ایران، wmadaqq73@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲. مدرس گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية، دانشگاه مجازی

المصطفیٰ ﷺ، قم، ایران، shybanim@gmail.com

مقدمه

اخيراً در جوامع اهل سنت نوعی نکاح بسیار رواج یافته که هر چند نکاح دائم است؛ اما از حیث نتیجه به نکاح متعه شبیه است و با شروطی که ضمن عقد صورت می‌گیرد، حق نفقه، سکونت، همخوابگی و احیاناً حق مطالبه ارث به نحوی از انحا از زوجه سلب می‌شود و در مقابل، آزادی نسبی نصیب زوجه می‌شود.

رواج روز افزون این نکاح در میان اهل سنت، آن‌ها را به بررسی مشروعیت آن وا داشته و چهار نظر متمایز از ایشان صادر شده است؛ اما غالباً قائل به صحت این نکاح و شروط آن شده‌اند و ظاهراً چاره‌ای جز تجویز آن نداشته‌اند، زیرا شیوع گسترده‌ای بین مردم و خصوصاً جوانان داشته و استقبال بی نظیری از آن صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی آن را از ضرورت‌های زمان حاضر به حساب آورده و با اکره قائل به جواز شده‌اند. (ابن سلیم، ۱۴۲۳: ۱۵)

در این پژوهش، جهت روشن شدن زوایای مسئله و رابطه شناسی این نوع نکاح به بررسی ماهیت آن و اقوال فقهای فریقین در خصوص آن و تمایزات و تشابهات آن‌ها پرداخته می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به طرح بحث این پژوهش، در ابتدا لازم است با برخی واژگان کلیدی تحقیق آشنا شد که در ادامه به بررسی این کلیدواژگان از حیث لغوی و اصطلاحی پرداخته می‌شود.

فقه در لغت؛ در نگاه بدوی و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعییرات زیادی از اهل لغت، به نظر می‌رسد که کلیدواژه فقه به معنای مطلق فهم باشد؛ «الفقه، فهم الشیء»، (فیومی، ۱۹۲۸: ۴۷۹) اما با تأمل و نگاهی مجدد به عبارات لغویانی که در مقام تعیین تفاوت‌های ظریف میان واژگان متشابه برآمده‌اند و «فروق اللغة» را تدوین نموده‌اند، این نتیجه حاصل می‌آید که فقه در لغت مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را فقه گویند. (قدسی، ۱۳۸۴)

فقه در اصطلاح عبارت است از روشی که به وسیله آن احکام شرعی از ادله تفصیلی به دست می‌آیند. دلایل تفصیلی از نظر بیشتر علمای مسلمان عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و عقل.

تسنن، به معنای قبول سنت و طریقه کردن و پیروان سنت پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین است و تشیع در لغت به معنای پیرو، یار و گروه است و در اصطلاح، به کسانی می‌گویند که معتقدند بنابر احادیثی که از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده، امام علی (ع) جانشین بلافصل حضرت است. این رویکرد، نقطه مقابل دیدگاهی است که قائل است پیامبر جانشینش را تعیین نکرده بود و به دلیل اجماع مسلمانان در بیعت با خلیفه اول، او جانشین حضرت است. سنت در فقه شیعه شامل رفتار، کردار، افعال و سخنان پیامبر ﷺ و امامان معصوم (ع) است؛ (شب‌خیز، ۱۳۹۲) اما سنت در فقه اهل تسنن تنها شامل رفتار، کردار، افعال و سخنان پیامبر ﷺ می‌باشد. (انوری، ۱۳۹۸، ج ۹: ۲۸۲-۲۷۹)

نکاح در لغت، حقیقت در وطی است و مشهور آن است که در شرع، حقیقت در عقد است؛ لذا می‌توان گفت نکاح عقدی است که متضمن اباحه وطی باشد و یا مورد آن تملیک منفعت بضع است.

نکاح در اصطلاح، رابطه‌ای حقوقی است که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند.

مسیار کلمه‌ای معجمی و لغت‌نامه‌ای نیست؛ بلکه اصطلاحی عامیانه است که در کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان سعودی به این اسم مروج است و بنا بر تعریفی که در مجمع فقهی مکه مکرمه از آن ارائه داده‌اند، ازدواجی است دائمی با همان ارکان و شرایطی که نکاح دائمی دارد، با این تفاوت که زن از برخی حقوق خود مانند نفقه، مسکن و قسم (نوبت شب) صرف‌نظر و گذشت می‌کند و آن را در اختیار شوهر می‌گذارد که هر وقت برای او میسر شد، به او سر بزند و گذشت از حقوق خود از نظر شرعی اشکالی ندارد؛ زیرا هم‌چنان که برای شخص جایز است که از دیگری حقوق خود را مطالبه نماید، برای او جایز است که از حقوق خود نیز گذشت کند.

درباره ریشه لغوی کلیدواژه مسیار، تعاریف و نظریه‌های زیر مطرح است:

- مسیار ریشه لغوی ندارد؛ بلکه کلمه‌ای عامیانه‌ای است که در سرزمین نجد در عربستان سعودی به معنای دیدار روزانه (الزيارة النهارية) به کار می‌رود. وجه تسمیه این نوع ازدواج آن است که شوهر غالباً در دیدارهای روزانه به دیدن زوجه می‌آید، شبیه دیدار از همسایه‌ها. (تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۰)
- مسیار از سیر، حرکت و عبور گرفته شده و اصطلاح عامیانه‌ای است برای موردی که مرد در یکی از شهرهای مسیر گردش و ترددش برای تجارت یا کسب علم با خانمی ازدواج می‌کند که در زمان تحصیل یا تجارت نزد زوجه باشد. این دیدگاه را مرحوم یوسف قرضاوی - عالم بزرگ اهل سنت و مؤسس اتحادیه جهانی علمای مسلمان - پذیرفته و می‌نویسد:
مسیار کلمه‌ای است که در خلیج رواج یافته و شاید به معنای مرور به زوجه یا سیر به وی می‌باشد و ازدواجی است که در آن زندگی دائمی و مبیت نیست. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۱)
- قرضاوی معتقد است: «متداول بین اهل الخلیج الزيارة السريعة أو الزّوّار الذین لا یطیلون المکوث عند المضيف»؛ یعنی دیدار کوتاه میهمان‌هایی که توقف آن‌ها در نزد میزبان، کوتاه است.
- مسیار صیغه مبالغه از سیر است (تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۰) و سیر در لغت، راه رفتن در زمین است: (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۷) «سار القوم یسیرون سیراً أو مسیراً»؛ زمانی که سیر امتداد و ادامه یابد در جهتی که متوجه آن هستند. (ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۶: ۴۵۴) هم‌چنین عرب می‌گوید: «سار الکلام أو المثل»؛ یعنی زمانی که کلام شایع و پراکنده شود و «المثل الساری»، یعنی مثالی که بین مردم شایع و رایج شده است. (انیس و همکاران، ۱۹۷۲، ج ۱: ۴۶۷) از دیدگاه این دسته، مردی که کثیر السیر است، به وسیله مسیار توصیف می‌شود؛ مانند «رجل مسیار و سیار». دلیل این که

رویکردی تبیینی به نکاح مسیار... ۴۹/

مسیار برای نوعی ازدواج قرار داده شده، این است که در آن التزامی به حقوق زوجیت وجود ندارد و مرد در این ازدواج، حالت مرد سیاری را دارد که خود را ملتزم به حقوقی که ازدواج مقتضی آن است؛ مانند نفقه و مبیت نمی‌داند. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۱)

• مسیار کلمه‌ای عربی است که به لهجه اهل باده باز می‌گردد و منظور از آن سیر به سوی زوجه و خوشحال نمودن وی می‌باشد. (ابن سلیم، ۱۴۲۳: ۳)

مسیار از موضوعات جدید بوده و در کتاب‌های فقهی قدیمی چنین اصطلاحی وجود ندارد؛ اما فقها و حقوقدانان معاصر، آن را این گونه تعریف نموده‌اند: ازدواجی است که در آن مرد و زن عقد شرعی با تمام ارکان و شرایط می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرف‌نظر می‌کند. (تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۰)

وهبة الزحیلی - فارغ التحصیل دانشگاه الأزهر - می‌نویسد:

مسیار ازدواجی است که با ایجاب و قبول، شهادت شهود و حضور ولی، بین مرد و زن منعقد می‌شود؛ بنابراین زن از حقوق مادی مثل مسکن، نفقه و فرزندان که به دنیا می‌آورد و برخی حقوق معنوی؛ مانند حق قسم و همخوابگی صرف‌نظر می‌کند. در این ازدواج زن قبول می‌کند که مرد فقط گاهی به او سر بزند. این عقد طبق توافق طرفین هم می‌تواند علنی و رسمی باشد که برای آن سند صادر شود و هم مخفی و سری باشد. هم‌چنین طرفین می‌توانند توافق کنند. در این ازدواج نسب و ارث حفظ می‌شود؛ اما زن در خروج از منزل آزاد است، چون شرط نفقه وجود ندارد؛ زیرا اطاعت زن در صورتی واجب است که شوهر نفقه بپردازد و اگر نفقه نباشد، اطاعت واجب نیست. (زحیلی، ۱۴۲۸: ۸۴)

برخی به همین تعریف اضافه نموده‌اند که غالباً ازدواج مسیار ازدواج دوم یا سوم است و نوعی از تعدد زوجات محسوب می‌شود. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۳)

شیخ عبدالله بن منیع - عضو هیئت کبار العلمای سعودی و قاضی مکّه - می‌نویسد:

مسیار ازدواجی است که همه ارکان و شرایط ازدواج در آن وجود دارد. این ازدواج با ایجاب و قبول و با شرایط معروف که رضایت طرفین، ولایت، شهادت و کفایت است، صورت می‌گیرد و در آن مهریه مورد توافق وجود دارد و برای صحت آن باید موانع ازدواج وجود نداشته باشد. بعد از انعقاد عقد تمامی حقوق مترتب بر عقد زوجیت از جهت نسل، ارث، عده، طلاق و مباح بودن رابطه نزدیکی، سکونت و نفقه ثابت می‌شود؛ اما زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق نفقه و میت - هم خوابگی - ندارد و شوهر اختیار دارد هر وقت بخواهد به دیدار همسر خود بیاید. (ر.ک: تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۵)

مولوی عبدالحمید - عضو اتحادیه جهانی علمای مسلمان و مدیر شورای هماهنگی مدارس اهل سنت سیستان و بلوچستان - در معرفی ازدواج مسیار چنین آورده است:

زنانی که مشکل مادی، مسکن و نفقه ندارند؛ ولی به دلیل بیوه بودن کسی با آنان ازدواج نمی‌کند، این زنان از حق نفقه، مسکن و میت صرف نظر می‌کنند و شوهر مختار است هر وقت میسر شد با وی ملاقات کند و این ازدواج تمام شرایط و ارکان عقد نکاح شرعی از قبیل گواه، تعیین مهر و ثبوت نسب را دارد. در این ازدواج زوجین توافق می‌کنند که زن در خانه والدین خود بماند و تقاضای مسکن، نفقه و حق قسم از شوهر ننماید. غالباً این ازدواج از جانب مردی است که فقیر بوده یا ازدواج مجدد سبب مشکلات با همسر اول می‌شود. این عقد علناً با حضور گواهان با رضایت کامل زوجین و حضور ولی زن و کلماتی که بر دوام نکاح دلالت دارد، انجام می‌شود. (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۷)

برخی فقهای شیعه نیز در تعریف ازدواج مسیار، چنین نوشته‌اند:
ازدواج مسیار به حسب ظاهر ازدواج دائم با همه شرایط است؛ اما در آن حق نفقه،
قسم و ارث نیست، یعنی شرط عدم مطالبه شده است و شرط عدم استحقاق زن
نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۲۱)

پیشینه نکاح مسیار

برخی ازدواج مسیار را پدیده‌ای جدید دانسته‌اند که ابتدا در منطقه تمیم عربستان سعودی ظهور
پیدا کرد و سپس در سایر مناطق و کشورها گسترش یافت و کسی که فکر اولیه این ازدواج را
مطرح نمود، فهد الغنیم بوده است؛ (تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۱) اما عده‌ای دیگر روش ازدواج مسیار را
دارای سابقه تاریخی دانسته و در این زمینه به برخی از متون فقهی استناد نموده‌اند.

در همین ارتباط، ابن قدامه در «مغنی» آورده است:

مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید در هر هفته یک شب نزد وی باشد یا در ازدواج
دیگری شرط کند که در هر ماه ۵ یا ۱۰ درهم به زوجه نفقه بدهد یا شرط نماید
روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود. (ابن قدامه، ۱۴۰۴: ج ۷: ۴۵۰)

در مقام مقایسه با مسیار برخی اظهار می‌دارند که فرقی میان آنچه ابن قدامه آورده و آنچه
در حال حاضر به نام عقد مسیار وجود دارد، نیست؛ مگر در اسم که نام عقد مسیار جدید
است. (بریدی، ۲۰۰۷)

تفاوت نکاح مسیار و متعه

تفاوت‌ها میان نکاح مسیار در فقه اهل تسنن و متعه در فقه اهل تشیع را می‌توان در موارد زیر
بیان نمود:

۱. نکاح مسیار، نکاح دائم و شرعی بوده با الفاظ «زواجتک» و «نکحتک» و بدون قید
وقت و زمان منعقد می‌شود؛ ولی نکاح متعه با لفظ «مَتَّعِیْتُ» همراه با قید مدت و

- زمان مشخصی مانند «متعینی بنفسک الی مدة کذا بکذا من المهر» به معنای مرا از خود بهره‌مند ساز تا فلان مدت به این مقدار از مهر، منعقد می‌شود.
۲. در نکاح مسیار مانند نکاح دائم، میراث برای فرزندان از پدر و مادر ثابت می‌شود؛ اما در نکاح موقت میراث برای زوجین و اولاد ثابت نمی‌شود.
۳. جدایی از نکاح مسیار و نکاح دائم با طلاق حاصل می‌شود؛ ولی در متعه بعد از پایان مدت مشخص شده جدایی خود به خود و بدون طلاق صورت می‌گیرد.
- (کلینی، ۱۴۰۵ ج ۲: ۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۴۹۵)
۴. در نکاح مسیار و نکاح دائم، مرد در یک زمان نمی‌تواند بیشتر از چهار زن داشته باشد، حتی اگر همه آن‌ها مسیاری باشند؛ اما در نکاح موقت، مرد در یک وقت می‌تواند بیشتر از چهار زن داشته باشد. (کلینی، ۱۴۰۵ ج ۲: ۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۴۴۶)

دلایل استقبال از ازدواج مسیار

عوامل زیادی در انتشار ازدواج مسیار نقش دارد. در یک نظرسنجی که نشریه «الأسرة» عربستان سعودی انجام داده و در آن ۳۶۳ دختر شرکت داشتند، نتایج زیر به دست آمد:

- ۵۲/۹ درصد رغبت مردان به ازدواج غیر دائم
- ۴۶/۶۲ درصد بدون شوهر بودن زن یا طلاق از شوهر اول یا نیاز به فرزند
- ۲۴/۵۳ درصد عدم رغبت مردان به تحمل مسئولیت یا عدم قدرت آن‌ها بر تحمل مسئولیت
- ۱۱/۶۵ درصد بالا بودن و گرانی مهریه و بالا بودن هزینه‌های ازدواج
- ۹/۸۱ درصد رغبت مردان در تغییر و تنوع
- ۴/۲۹ درصد مخالفت همسر اول با تعدد زوجات
- ۳/۶۸ درصد طمع مرد در حقوق زوجه
- ۱/۸۴ درصد رغبت دختران در عدم ارتباط کامل
- ۱/۲۲ درصد عدم استقرار مرد در یک مکان به سبب اشتغال به کار. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۰)

به طور کلی، کسانی که به این نوع ازدواج اقدام می‌کنند، اهداف و انگیزه‌های مختلفی دارند که بعضی از این اسباب مربوط به زنان و برخی مربوط به مردان است که در ادامه اشاره می‌شود: در سال‌های گذشته مردان رغبت بیشتری برای ازدواج مسیار داشتند؛ اما امروزه زنان خواهان ازدواج مسیار هستند و شرایط ازدواج بر حسب نیاز زن تعیین می‌گردد، مانند تأمین محل سکونت، حساب بانکی، ماشین و تعیین وقت برای حضور شوهر. (غامدی، ۲۰۰۷)

با این وصف، دلایل تمایل زنان به ازدواج مسیار عبارتند از:

۱. نگاه اقتصادی به همسر؛ در ازدواج مسیار، زن شرط می‌کند که شوهر به عنوان معامله اقتصادی، اجاره منزل وی را پرداخت نماید، حتی اگر نکاح با طلاق و... پایان پذیرد، عقد اجاره قطع نمی‌شود؛ لذا ازدواج مسیار برای او در مدت کوتاهی منعقد می‌شود و هیچ نوع استقراری در آن نیست و این شرط سبب می‌گردد، زن برای مدت طولانی از مسکن مناسب برخوردار شود.

۲. عدم مسئولیت؛ ازدواج مسیار برای زنانی که وقت زیادی را به کار مشغولند یا زنانی که نمی‌توانند بین کار و پاسخ به نیازهای خانواده اعم از نیازهای شوهر و فرزندان جمع نمایند، این نوع ازدواج را بهتر و مناسب‌تر می‌دانند؛ به همین دلیل برخی آن را به عنوان جایگزین ازدواج عادی انتخاب می‌نمایند که در آن زوجه مسئولیتی ندارد، مگر در ساعاتی که در خانه است. در چنین ازدواجی زن شرط می‌نماید که شوهر از زمان ورود و خروج از منزل و مکان‌های که می‌رود سؤال نکند و در روابط خود آزاد باشد. (غامدی، ۲۰۰۷) به همین سبب در عربستان سعودی بسیاری از زنان پزشک خواهان ازدواج مسیار با غیر سعودی‌ها هستند؛ زیرا مردان سعودی معمولاً نمی‌پذیرند که زن در ساعات طولانی خارج از منزل باشد. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۷)

۳. مادر شدن؛ عده‌ای از زنان به سبب داشتن سن بالا و عدم رغبت ازدواج با آن‌ها، تنها به دلیل مادر شدن و اشباع عاطفه مادری خواهان ازدواج مسیار هستند؛ هر چند به عنوان همسر دوم یا سوم باشند. ایشان در ازدواج مسیار وسیله‌ای برای تحقق هدف

مادر شدن می‌یابند و در ازدواج بسیار یک شرط طلب می‌کنند و آن حامله شدن و فرزندآوری است و در این حال تمامی مسئولیت‌های تربیت، تکالیف و هزینه‌های اقتصادی طفل را خود بر عهده می‌گیرند. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۸؛ غامدی، ۲۰۰۷)

۴. ارضای غرائز؛ برخی از زنان که ازدواج معمولی پاسخگوی نیاز جنسی آنان نبوده، خواهان ازدواج بسیار هستند. برخی نویسندگان نقش ارضای غریزه جنسی در انتشار این ازدواج را مهم شمرده‌اند؛ زیرا غریزه جنسی از قوی‌ترین غرایز نفسانی انسان است و انگیزه دعوت‌کننده به اشباع آن نیز خیلی قوی است. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۶۷)

از طرف دیگر، دلایل تمایل مردان به ازدواج بسیار تابع این موارد است: بعضی مردان به دلیل نیاز به تعدد ازدواج یا رغبت در معاشرت جنسی و عدم اکتفا به یک زن و عدم توانایی مالی برای ازدواج مجدد و تأمین هزینه‌های آن مانند مهر، نفقه و تهیه محل سکونت، خواهان ازدواج بسیار هستند تا هم به نیاز خود پاسخ داده و هم متحمل هزینه زیاد نگردند. برخی دیگر از مردان نیز هستند که توان مالی خوبی دارند؛ اما نمی‌خواهند اموال خود را در این راه خرج کند، لذا خواهان ازدواج بسیار هستند.

گاهی این نوع ازدواج راهی برای استیلاي مرد بر اموال یا بخشی از اموال زن است. زن ثروتمند بخشی از اموال خود را در برابر چنین ازدواجی به شوهر می‌بخشد؛ زیرا بیم جدا شدن شوهر را دارد. هم‌چنین گاهی به دلیل ناراحت شدن همسر اول از ازدواج مجدد مرد یا نارضایتی خویشاوندان و فرزندان وی که ازدواج مجدد را نمی‌پسندند، مرد خواهان ازدواج بسیار مخفی است؛ مانند موردی که کار مرد در دو شهر است و در هر شهر خانه و خانواده‌ای تشکیل می‌دهد. (همان: ۱۷۰)

حکم ازدواج مسیار در فقه معاصر

۱. دیدگاه علمای اهل تسنن

در مورد حکم ازدواج مسیار بین علمای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را جایز، برخی حرام و برخی قائل به توقف شده‌اند.

عده‌ای از علمای اهل سنت ازدواج مسیار را ازدواج صحیح و مشروع دانسته‌اند؛ اما در مورد شرایط آن اختلاف نظر دارند. برخی تمام شرایط آن را صحیح دانسته و عده‌ای اصل ازدواج را صحیح و شرایط ضمن آن مانند شرط اسقاط حق نفقه و میت را باطل تلقی نموده و زوجه را مستحق مطالبه آن‌ها دانسته‌اند. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۸)

عده‌ای نیز زوج را به ایفای تعهد و مسئولیت در برابر زوجه فراخوانده و ریاست و مدیریت برای زوج قائل شده که باید تا حد امکان مشکلات زندگی را مرتفع سازد. غالباً طرفداران این نظریه، این نوع ازدواج را نمی‌پسندند؛ به همین سبب در مورد حکم این ازدواج عبارت اباحه همراه با کراهت را مطرح نموده‌اند.

در ادامه به برخی آرای علمای اهل سنت در این خصوص، اشاره می‌شود:

- شیخ قرضاوی: من از مروجین ازدواج مسیار نیستم و خطبه عقدی که برای ازدواج مسیار باشد نمی‌خوانم. این ازدواج مباح است با کراهت؛ یعنی حلالی است که مستحب نیست و بیم آن می‌رود که به دنبال چنین ازدواجی خسارت و ضررهایی باشد. (ر.ک: همان: ۱۷۵)
- وهبة زحیلی: این ازدواج شرعاً مرغوب فیه نیست؛ زیرا در این ازدواج مقاصد شرعی یعنی سکون نفسی، اشراف بر اهل و اولاد، رعایت و حفاظت از خانواده به طور کامل و تربیت کامل محقق نمی‌شود. (ر.ک: همان)

- خطیب مسجدالحرام: ممکن است، ازدواج بسیار از برخی جهات ضراقرین باشد؛ این ازدواج احصان را محقق می‌سازد، ولی مایه سکون و آرامش نیست. (ر.ک: تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۵)

- شیخ عبدالله بن منیع: من نظر به منع ازدواج بسیار ندارم؛ هر چند کراهت دارد و آن را موجب اهانت به زن و کرامت زن می‌دانم، لکن حق با زن است و راضی شده و از حق خود گذشته است. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۵)

در عین حال، برخی نیز به جواز و صحت ازدواج بسیار تصریح نموده و اشاره‌ای به کراهت آن ننموده‌اند و یا کراهت آن را وابسته به شرایط و اوضاع و احوال دانسته‌اند. (همان: ۱۷۶)

طرفداران این نظریه در ازدواج بسیار به ادله زیر استناد نموده‌اند:

أ. ارکان و شرایط ازدواج صحیح را دارا می‌باشد؛ زیرا دارای ایجاب و قبول، شرایط معروف ازدواج یعنی رضای طرفین، ولایت، شهادت، کفایت و مهر توافقی است. برای صحت این ازدواج باید موانع شرعی منتفی شود؛ مثل آن‌که زن در عده نباشد، بعد از محقق شدن آن برای طرفین نیز تمامی حقوق مترتب بر ازدواج از جهت نسل و ارث، عده، طلاق، استباحه بضع، مسکن، نفقه و سایر حقوق و تکالیف ثابت می‌شود، فقط زوجین توافق می‌کنند که زوجه حق میت یا قسم نداشته باشد و شوهر اختیار دارد که هر وقت خواست نزد زوجه بیاید. (شعراوی، ۱۴۲۲: ۱۳۸)

زحیلی در همین ارتباط می‌نویسد: اصل در عقود شرعی از جمله ازدواج، اباحه است؛ پس هر عقدی که ارکان و شرایط شرعی را دارا باشد، صحیح و مباح است، مادامی که منجر به حرام نشود. (ر.ک: اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۶) این مطلب، مهم‌ترین دلیل برای قائلین به اباحه و مشروعیت ازدواج بسیار است.

ب. در سنت آمده، سوده از همسران رسول خدا ﷺ روز خود را به عایشه بخشید. وجه استدلال این است که بخشش سهم توسط سوده به عایشه و پذیرش حضرت

رویکردی تبیینی به نکاح مسیار... ۵۷/

دلالت می‌کند بر این که زوجه می‌تواند حقی را که شارع برایش قرار داده، مانند نفقه و مبیعت ساقط کند.

ت. در این نوع ازدواج مصالح زیادی وجود دارد. این ازدواج غریزه فطری را پاسخ داده و از فحشا جلوگیری می‌کند و در مواردی زن فرزندان می‌شود و بدون شک از تعداد زنان بی‌شوهر می‌کاهد.

ث. از آن جا که انواع مشابه این ازدواج مانند ازدواج نهاریات و لیلیات در فقه وجود دارد، پس ازدواج مسیار هم درست است. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۷۹)

در نقطه مقابل، برخی به مناقشه ادله جواز ازدواج مسیار پرداخته و آن را رد نموده‌اند که دلایل ایشان به شرح زیر است:

- با وجود ارکان و شرایط ازدواج صحیح، شرط اسقاط نفقه و مبیعت صحیح نیست؛ زیرا خداوند بر زوج واجب نموده که به زوجه انفاق نماید و در بین زوجات نسبت به نفقه و مبیعت عدالت را رعایت کند؛ چنان که بر زوجه هم اطاعت از زوج را واجب کرده است. این موارد از آثار ازدواج صحیح بوده و چون خداوند آن را فرض و تشریع نموده است، افراد نمی‌توانند برخلاف آن شرط نموده و به نقیض آن ملتزم شوند؛ زیرا در این صورت متناقض با حکم شرعی خواهد بود. ممکن است کسی ادعا کند از بین رفتن نفقه و مبیعت در ازدواج مسیار از باب اشتراط زوج بر زوجه نیست؛ بلکه زوجه از حقوقش صرف‌نظر می‌کند. در پاسخ باید اظهار داشت که بسیاری از ازدواج‌های مسیار از باب اشتراط زوج بر زوجه است و بر فرض این که زن از حق خود صرف‌نظر کند، این کار مشروع نیست؛ چون حق نفقه و مبیعت قابل اسقاط نیست.
- استدلال به حدیثی که مطابق با آن، سوده سهم خود را به عایشه بخشید نیز نمی‌تواند دلیلی بر مشروعیت ازدواج مسیار باشد؛ زیرا حق مبیعت ملک سوده بوده و ملک خود را بخشیده است و در عقد شرط اسقاط گنجانده نشده است.

- وجود مصالح زیاد برای ازدواج بسیار صحیح نیست؛ زیرا بیشترین اثری که در مورد بسیار بیان شده کاهش زنان بی‌شوهر و اشباع رغبت جنسی زنان است؛ اولاً تعداد زنانی که ثروتمند بوده و نیاز مالی نداشته باشند کم هستند و فقط مشکل تعداد اندکی از زنان حل می‌شود، ثانیاً مفاسد زیادی بر این ازدواج مترتب است.
- استدلال به وجود ازدواج‌های شبیه بسیار یعنی نکاح نهاریات و لیلیات نیز صحیح نیست، این ازدواج‌ها همانند ازدواج بسیار مورد اختلاف علما بوده و بسیاری آن را نپذیرفته‌اند. (اشقر، ۱۴۲۰: ۱۹۵-۱۸۴)

بر این اساس، برخی علما قائل به حرمت بسیار شده‌اند؛ هم‌چنان‌که عبدالغفار الشریف می‌نویسد: ازدواج بسیار بدعت جدیدی است که انسان‌های ضعیف النفس و کسانی که می‌خواهند از مسئولیت‌های خانواده رها شوند آن را پدید آورده‌اند و از طریق این ازدواج نیاز جنسی خود را تحت عنوان شرعی برآورده سازند؛ بنابراین ازدواج بسیار جایز نیست، هر چند به صورت عقد شرعی باشد. (ر.ک: همان: ۱۹۵)

به طور کلی، نگاه تفصیلی‌تر قائلین به حرمت نکاح بسیار، به دلایل زیر استناد شده است: ا. عقد بسیار با مقاصد شرعی ازدواج تنافی دارد. هدف از ازدواج در اسلام، تنها برآورده ساختن نیاز جنسی نیست؛ بلکه ازدواج سنت پیامبر ﷺ است و برای معانی و مقاصد فردی، اجتماعی و دینی تشریع شده است، مانند مودت و رحمت، سکون و آرامش، حفظ نوع انسانی، تعهد به صورت کامل و رعایت حقوق و تکالیف زوجین؛ اما ازدواج بسیار هیچ‌کدام از این مقاصد را محقق نمی‌سازد. (همان: ۱۸۱)

ب. روش این ازدواج با نظام ازدواجی که شریعت اسلام آورده و میان مسلمانان مرسوم بوده، مخالف است و مسلمانان با چنین ازدواجی آشنا نیستند.

ت. برخی از شروط این ازدواج، مخالف با مقتضای عقد است؛ مانند اشتراط اسقاط نفقه و مبیعت، لذا عقد باطل می‌شود. زوجه از حق نفقه و مبیعت می‌گذرد؛ ولی در بسیاری از موارد نظرش عوض می‌شود، به ویژه بعد از درک اسرار زندگی زناشویی و آگاهی به حقوقی که شرعاً و عرفاً در ازدواج پیدا می‌کند.

ث. این نوع ازدواج راه ورود و مدخلی برای فساد و افساد خواهد بود؛ زیرا در آن مقدار مهر، ساده گرفته شده و زوج مسئولیت خانواده را به عهده نمی‌گیرد؛ لذا ازدواج و طلاق برای زوج آسان خواهد بود. ممکن است این ازدواج مخفی و بدون حضور ولی باشد که همه این موارد باعث می‌شود ازدواج مسیار بازیچه‌ای در دست هواپرستان شود. ج. در صورتی که زن در این ازدواج دارای فرزند شود، دوری از شوهر و ارتباط کم با وی تأثیر منفی در تربیت و اخلاق فرزند خواهد گذاشت.

این در حالی است که برخی علما در حکم این ازدواج توقف کرده‌اند؛ زیرا حکم مسئله برای آنان روشن نبوده و نیازمند تأمل بیشتری هستند؛ از جمله آرای زیر:

- عمر بن سعود العید- استاد دانشکده اصول الدین در جامعه امام محمد بن سعود- بعد از ذکر عیوب و آثار منفی ازدواج مسیار، بعضی از ادله قائلین به جواز و نام برخی از علما که قائل به توقف شده‌اند را بیان نموده و در پایان خواهان بررسی دقیق و تفصیلی مسئله شده است؛ چون این ازدواج دو وجه دارد: گاهی ناپسند و گاهی پسندیده می‌باشد. (تمیمی، ۱۴۱۸: ۱۵)
- احسان بن عایش: سبب توقف برخی از علما در جواز این است که عده‌ای از مردم در این ازدواج افراط نموده و دچار انحراف شده‌اند و از جانب برخی افراد ضعیف النفس مورد سوء استفاده واقع شده و مؤسساتی ایجاد شده که برای این نوع ازدواج قیمت تعیین می‌کند و شکی نیست که این وضعیت باعث می‌شود در جواز ازدواج مسیار

تردید شود و آثار منفی زیادی که این ازدواج دارد دلالت می‌کند بر این‌که در آن فسادى هست که منجر به این آثار می‌شود. (عتیبی، ۱۴۱۸: ۲۸)

۲. دیدگاه علمای اهل تشیع

از علمای شیعه کسانی که در زمینه نکاح مسیار تحقیقی انجام داده و فتوا به جواز داده‌اند، بر این نظر هستند که عقد ازدواج مسیار به دو صورت زیر ممکن است انجام شود که حکم در هر صورت متفاوت خواهد بود:

- گاهی زن در عقد نکاح چیزی را شرط نمی‌کند؛ ولی اخلاقاً متعهد می‌شود که چیزی از مرد نخواهد و اصلاً مسئله تنازل از حق در صیغه نکاح قرار نمی‌گیرد، این بحثی ندارد و بسیاری هستند که در متن عقد، شرطی قرار نمی‌دهند؛ ولی اخلاقاً متعهد می‌شوند که چیزی مطالبه نکنند.
- تنازل از حق و گذشت از حقوق در متن عقد قرار می‌گیرد که دو حالت دارد:
 - به صورت شرط فعل؛ یعنی فعلی را شرط می‌کند به این بیان که بگوید من با تو ازدواج می‌کنم و از تو نفقه و قَسَم را طلب نمی‌کنم؛ این اشکالی ندارد چون حق اوست، ولی شرط می‌کند که مطالبه نکند. زن در مورد نکاح مسیار متعهد شده که مطالبه نفقه و قسم نکند.
 - به صورت شرط نتیجه؛ مرد می‌گوید: «أَتَزَوِّجُكَ عَلَى أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ حَقٌّ فِي النِّفْقَةِ وَالْقَسَمِ»؛ ازدواج می‌کنم به شرط این که حقی نداشته باشی. این قِسَم قابل بحث و ایراد است که آیا این حق قابل اسقاط است یا نه؟ و اگر شك شود که قابل اسقاط است یا نه، اصل این است که غیر قابل اسقاط است؛ لذا بعضی از متأخرین که نکاح مسیار را صحیح دانسته‌اند، معتقدند به صورت شرط نتیجه نباشد؛ بلکه به صورت شرط فعل باشد.

نتیجه آن که اگر بنای بر انجام نکاح مسیار است، باید شرط را در متن عقد نیاورد و یا اگر شرط را در متن عقد می آورند، به صورت شرط فعل بیاورند نه به صورت شرط نتیجه؛ چون مشکوک است. برای شرط فعل نیز بعضی شاهی از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آورده اند که سوده بنت زمعه به عنوان یکی از همسران پیامبر ﷺ زمانی که پیر شده بود و به حضرت عرض کرد من حق قسم خود را به عایشه بخشیدم؛ نشان می دهد که زن می تواند از حق خود تنزل کند.

در ادامه به دیدگاه برخی علمای اهل تشیع در همین ارتباط، اشاره می شود:

- آیت الله سیستانی: نکاح مسیار فی نفسه بدون اشکال است و اگر زوجه از حقوقی مانند حق نفقه و مسکن و عدالت در هم خوابی صرف نظر کند، اشکالی وجود ندارد؛ اما تراضی و توافق بر اسقاط ارث، باطل است.
- آیت الله بهجت: به استناد این که اسقاط حقوقی نظیر نفقه و مسکن و میت به معنای گذراندن شب از مصادیق اسقاط ما لم یجب است و منظور اسقاط حقی است که هنوز به وجود نیامده است، تراضی بر اسقاط این حقوق بی فایده است؛ چرا که با چنین تراضی، این حقوق ساقط نخواهد شد؛ اما چنانچه به صورت شرط فعل، تراضی شود که علی رغم استحقاق زوجه به این حقوق، او این حقوق را استیفا نکند، نکاح و شرط صحیح خواهد بود.
- آیت الله مکارم شیرازی: مسیار در واقع شبیه نهاد ازدواج موقت در شیعه و فقه امامیه است و صحیح است.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه بیان شد، این نتیجه کلی حاصل می آید که به دلایل مختلف حاکم بر جامعه، ازدواج مسیار که بسیاری سازوکار آن را به ازدواج موقت شبیه می دانند، صحیح بوده و این امر در کشورهای اهل تسنن و به ویژه کشورهای عربی بسیار رایج است.

مسیار ازدواجی است که به صورت دائم منعقد می‌شود و زن از حق نفقه و هم‌خوابگی خود می‌گذرد و شوهر مختار است که هر زمان بخواهد نزد زن بیاید و زن نیز در امور خویش آزاد است.

از طرف دیگر، آمارهای موجود نشان دهنده روند روبه رشد و انتشار این نوع ازدواج در میان اهل سنت است؛ هر چند برخی آن را تحریم کرده و برخی آن را مشروع می‌دانند، ولی به استناد ادله نکاح دائم و اطلاعات آیات و روایات، ازدواج مسیار قابل توجه است؛ چرا که نکاح جامعی است و همه شرایط و خواندن صیغه عقد دائم بر آن مترتب شده و مهریه دارد. هم‌چنین اگر طرفین حضور شهود را لازم بدانند، شهود نیز حاضر می‌شوند؛ پس تمام شرایط جمع است و ازدواجی صحیح است؛ لذا دلیلی برای عدم صحت ازدواج مسیار وجود نخواهد داشت.

فهرست منابع

۱. اشقر، اسامة عمر سلیمان (۱۴۲۰). مستجدات فقهیه فی قضایا الزواج والطلاق. اردن: در النفاثس.
۲. انوری، محمد جواد (۱۳۹۸). اصول خمسہ. منتشر شده در دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳. انیس ابراهیم. عطیہ صوالحی. محمد خلف احمد. عبدالحلیم منتصر (۱۹۷۲). المعجم الوسیط. چاپ ۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن سلیم، عرفان (۱۴۲۳). نکاح المسیار وأحكام الأنکحة المحرمة. بیروت: المكتبة العصرية.
۵. ابن قدامه المقدسی، عبدالله (۱۴۰۴). المغنی و الشرح الكبير علی متن المقنع. بیروت: دار الفکر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. بریدی، عبدالله (۲۰۰۷). زواج المسیار نمط قدیم فی التاریخ الإسلامی: www.alwatan.com
۸. تمیمی، احمد (۱۴۱۸). نکاح المسیار. هلند: مجلة الأسرة. شماره ۴۶.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. تصحیح عبد الرحیم ربانی شیرازی. تهران: منشورات المكتبة الإسلامية.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۲). مفردات الفاظ القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.

۱۱. زحیلی، وهبة (۱۴۲۸). قضایا الفقه والفکر المعاصر. دمشق: دارالفکر.
۱۲. شبخیز، محمد رضا (۱۳۹۲). اصول فقه دانشگاهی. قم: نشر لقاء.
۱۳. شعراوی، محمد متولی (۱۴۲۲). أحكام الأسرة والبيت المسلم. بیروت، المكتبة العصرية.
۱۴. صادقی، محمد (۱۳۸۷). اهل تسنن و ازدواج مسیار. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴۰: ۴۵-۶۸.
۱۵. عتیبی، احسان بن عایش (۱۴۱۸). احکام التعدد فی ضوء الكتاب والسنة. اردن: شركة مطابع الأرز.
۱۶. غامدی، فاطمه (۲۰۰۷). نساء یطلبن زواج المسیار: www.aliyadhjnp.com
۱۷. فیومی، احمد (۱۹۲۸). المصباح المنیر. قم: دار الكتب العلمية.
۱۸. قدسی، احمد (۱۳۸۴). واژه‌شناسی فقه در لغت، قرآن و حدیث از نگاه فریقین. طلوع نور. شماره ۱۴-۱۳: ۹۹-۱۲۰.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۵). فروع الکافی. بیروت: دار الأضواء.
۲۰. مکارم شیرازی. ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. تهیه و تنظیم جمعی از فضلا. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).